



**ایله نوانا | روزنامه نگار**

**پرونده**

دانشگاه برای بعضی‌ها، یک سکوی پرش است؛ کسانی که سال‌ها در مدارس کشور تحصیل می‌کنند و از همان روزهای اول دانشجویی، غیر از دغدغه‌های رایج درس و ارائه و مقاله، هزار و یک فکر و ذکر دیگر هم دارند؛ رزومه‌نویستن و مدرک معتبر زبان گرفتن و پر کردن فرم اپلای و توصیه‌نامه گرفتن از استاد و... اما چه چیزی باعث می‌شود این بعضی‌ها که اتفاقاً از پرتلاش‌ترین و پرتلاش‌ترین دانشجویان هستند، رفتن را با همه سختی‌ها و ترس‌ها و زحمت‌هایش به ماندن ترجیح می‌دهند؟ قرار مغزها طبق یکی از تعاریف «موقعیتی است که نیروی متخصص و ماهر یک کشور، به دلیل ناتوانی کشور مبدأ در حفظ و نگهداری آن‌ها، بالاچار به کشوری مهاجرت می‌کنند که به حضورشان نیاز دارد». کشور مقصد برای رفع این نیاز، شرایط، امکانات و امتیازهایی را در نظر می‌گیرد؛ این عوامل جذب در کشور مقصد، نخبگان را وادار به مهاجرت می‌کند. پرونده امروز را به دلیل اهمیت فراوان پدیده فرار مغزها، به این موضوع اختصاص داده‌ایم؛ با علم به این که مهاجرت نخبه‌ها چوه مختلفی دارد و پرداختن به آن، مطالعه و بررسی و تحقیق فراوان می‌طلبد. بنابراین آن چه می‌خوانید تنها گوشه کوچکی از ماجرای خروج نخبگان از کشور و تبعات آن است؛ در این پرونده، با زبان‌های ناشی از مهاجرت نخبگان از زبان یک جامعه‌شناس آشنا می‌شوید؛ درباره ابعاد کمی این پدیده از زبان یک مسئول، آمار و ارقامی خواهید خواند؛ و در تجربه متفاوت یک کارگردان که مجموعه مستندی درباره فرار مغزها ساخته‌است، شریک می‌شوید.



تصویر ساز: سعید مرادی

بررسی ابعاد آماری، جامعه‌شناسی و فرهنگی پدیده فرار مغزها در ایران

# سیاه و سفید مهاجرت نخبگان

فرار مغزها به‌روایت آمار و ارقام در گفت‌وگو با مشاور رئیس بنیاد ملی نخبگان

## تعداد مهاجران ایرانی بسیار پایین‌تر از میانگین جهانی است

«پرویز کریمی» مشاور بنیاد نخبگان و رئیس مرکز ارتباطات و اطلاع‌رسانی علمی و فناوری ریاست جمهوری، با ارائه آماری جایگاه ایران از نظر مهاجرت نخبگان را در مقایسه با سایر کشورها بررسی کرده‌است. او معتقد است اطلاعات نادرستی درباره روند مهاجرت نخبگان وجود دارد که باعث تحریب چهره کشور می‌شود.



گفت‌وگو با رئیس سابق انجمن جامعه‌شناسی ایران درباره ضرر ناشی از فرار نخبگان

## ضرر ۵۰ میلیارد دلاری کشور از خروج نخبگان

دکتر «محمدامین قانع‌ی‌اد»، استاد جامعه‌شناسی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، پدیده فرار نخبگان از کشور را از حیث جامعه‌شناختی بررسی می‌کند. دکتر قانع‌ی‌اد معتقد است با وجود وضعیت نگران‌کننده خروج نخبگان از کشور، این پدیده قابل کنترل است.



به خارج بروند، به آن‌ها مشاوره بدهیم و بعد کمک کنیم به کشور برگردند. محیط کسب‌وکار باید برای نخبگان جذاب شود؛ بوروکراسی حاکم در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و ادارات کم‌یاب حذف شود؛ نظام وظیفه تسهیل‌یابد و مشکلات اداری و درگیری‌های موجود در جامعه کاهش پیدا کند تا نخبگان به سرزمین مادری‌شان برگردند.

### نخبگان ایرانی بیشتر به چه دلایلی مهاجرت می‌کنند؟

مشکل بودن رانندازی و تداوم کسب‌وکار در ایران، گرفتن مجوزهای اداری قابل توجهی از نهادهای گاه‌به‌ریب پیش‌روی فرد می‌گذارد. از این رویاچادو تسهیل فضای کسب‌وکار مثبت در کشور و توجه‌شخص با نهادهای که تصمیم به تعلیلی یک کسب‌وکار می‌گیرد، از نخستین سیاست‌های معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری است. موانعی مثل فرایندهای وقت‌گیر تأیید مدرک و جذب در هیئت علمی و سربازی، مشکلات اقتصادی و اجتماعی می‌تواند عواملی برای مهاجرت نخبگان باشد. همچنین نبود ضوابط جذب هیئت علمی و وجود میانه‌های خاص در جذب و ارتقای استادان، بعضاً وجود برخی سیاست‌های ناکارآمد و اشتباه در محیط دانشگاه‌ها، بی‌توجهی دانشگاه‌ها به علوما و به نگاه مکانیکی به تحقیق و پژوهش را می‌توان برخی عوامل مهاجرت دانست. از جاذبه‌های مهاجرت هم می‌توان مدرک معتبر، وام‌های باعوض خوب، زندگی در دنیای جدید و وجود تکنولوژی‌های نو را برشمرد.

### این روزها حرف‌وحديث‌هایی می‌شنویم درباره پایین آمدن سن مهاجرت نخبگان در ایران. این موضوع چقدر صحت دارد؟

هیچ بررسی متقنی در این خصوص وجود ندارد و آمار کذب ارائه شده صرفاً برداشت بدون اتکای علمی – آماری و نگاه شخصی افراد است. بررسی‌ها روی آمار ارائه شده سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و نیز اداره مهاجرت کشورهای مهاجریزیر، این مسئله را تأیید نمی‌کنند. شما هم می‌توانید با مراجعه به سایت اداره مهاجرت این کشور، نامعتبر بودن این موضوع را بی‌گیری کنید.

استراتژی که بازگشت کمتر از یک درصد این افراد هم می‌تواند هزینه‌های کشور را جبران کند، امروز یکی از قدرتهای علمی و اقتصادی دنیاست. فراموش نکنیم که باید میان مهاجرت نخبگان و مهاجرت افراد برای ادامه تحصیل به خارج از کشور تفکیک قائل شد؛ چرا که گزارش و آمار در خصوص فرار مغزها مهم‌تر از مهاجرت افراد برای کار یا گردش و... به خارج از کشور به حساب می‌آید.

### برای کنترل پدیده خروج نخبگان، چه راهکارهایی پیش‌بینی شده‌است؟

یک سالی است که دانشجویان ایرانی از ۱۰۰ دانشگاه برتر دنیا را در بنیاد حمایت می‌کنیم تا بتوانیم با بستر سازی مناسب به منظور چرخش مغز در کشور، آن‌ها را به بازگشت ترغیب کنیم. در سال ۹۳ به برداشتن موانع اقدام کردیم و با برطرف کردن آن‌ها و ایجاد تسهیلاتی در قالب «سامانه همکاری با متخصصان غیرمقیم»، بستری فراهم کردیم تا پلی ارتباطی میان متخصصان و محصلان خارج از کشور با داخل وجود داشته باشد. در بحث نظام وظیفه هم تسهیلاتی برای این افراد فراهم شده‌است؛ چنان چه فرد بخواهد پس از تحصیلات به کشور بازگردد، یک دوره ۴۵ روزه آموزشی را می‌گذراند و بعد از آن طرح‌هایی پژوهشی در قالب امریه در مراکز علمی و پژوهشی برای او تعریف خواهد شد. هم‌چنین در دوسال‌و نیم گذشته تجربه خوبی در همکاری با کارآفرینان ایرانی خارج کشور داشته‌ایم؛ در این تجربه حدود ۱۲۰۰ نفر از متخصصان و محققان ایرانی خارج از کشور، همکاری خودشان را اعلام کردند و تا الان ۱۰۰۰ نفرشان به ایران آمده‌اند. این افراد در هیات علمی دانشگاه‌ها، مراکز علمی، شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌های خودشان مشغول به فعالیت هستند. ۵۵ درصد استارت‌آپ‌های مطرح در ایران متعلق به همین افراد بازگشته‌است که برای بیش از ۱۰۰ هزار نفر کار ایجاد کرده‌اند. ما منکر مهاجرت و مخالف مهاجرت در برخی رشته‌ها نیستیم؛ در بعضی از رشته‌های دانشگاهی نیاز داریم افرادی را برای کسب تجربه از علم روز دنیا به کشورهای خارجی بفرستیم تا آن رشته‌ها در دانشگاه‌های کشور تقویت شوند. بنابراین باید افرادی را کمک کنیم تا

### درباره میزان مهاجرت نخبگان، آمار موثقی وجود دارد؟

همه ساله در بنیاد ملی نخبگان، پژوهش‌ها و بررسی‌های فصلی در زمینه مهاجرت انجام می‌شود. بر اساس یک بررسی مستند، در ابتدای انقلاب از ۲۷۰ هزار دانشجو در کشور، ۱۷۰ هزار نفر در داخل و ۱۰۰ هزار دانشجو خارج از کشور مشغول به تحصیل بودند که این مقدار چیزی بیش از ۳۰ درصد کل دانشجویان آن زمان بود. از سویی همان زمان از میان ۱۰۰ هزار دانشجوی مشغول به تحصیل در خارج از کشور، ۵۷ هزار نفر در آمریکا دانشجوی بودند که آن زمان بزرگ‌ترین کلونی از لحاظ آمار دانشجویی در آمریکا بودیم. هم‌اکنون با احتساب چهار میلیون و ۷۰۰ هزار دانشجو، تنها ۴۸ هزار نفرشان خارج از کشور مشغول به تحصیل اند؛ یعنی چیزی حدود یک درصد دانشجویان مهاجرت کرده‌اند. بر اساس آمار اداره مهاجرت ایالات متحده (CIS) تا سال ۲۰۱۶، جمهوری خلق چین در جدول اعزام دانشجوی به آمریکا مقام نخست را داشته‌است؛ پس از آن کشورهای هند، عربستان سعودی، کره جنوبی، کانادا، ویتنام، تایوان، برزیل، ژاپن و مکزیک در رده‌های بعدی هستند. آخرین و جدیدترین گزارش‌های بین‌المللی نشان می‌دهد ایران نه تنها در ردیف ۳۰ کشور نخست ارسال‌کننده مهاجر نیست بلکه تعداد مهاجران ایرانی بسیار پایین‌تر از میانگین جهانی است.

### با مهاجرت نخبگان چه میزان سرمایه از کشور خارج می‌شود؟

مهاجرت نخبگان اگر بی‌بازگشت باشد، برای کشور هزینه‌زاست اما بازگشت آن‌ها حتی اگر درصد پایینی را شامل بشود، هزینه‌های محتمل شده را جبران می‌کند. با رویکرد جدیدی که معاونت علمی و بنیاد ملی نخبگان در پیش گرفته تاکنون نزدیک به ۱۰۰۰ نخبه را به کشور بازگردانده‌ایم. ما می‌توانیم با بهبود فضای کسب‌وکار تا حدودی از مهاجرت بی‌بازگشت نخبگان جلوگیری کنیم اما این رفتار نامدما بین دانشجویان و نخبگان کشورهای مختلف نه تنها هزینه‌بر نیست بلکه اگر با برنامه و استراتژی مناسب باشد، می‌تواند از هزینه کشور نیز بکاهد مثلاً کشور چین با سیل فراوان مهاجرت مغزها روبه‌روست، اما با این

### وضعیت کشور ما از لحاظ مهاجرت نخبگان، نسبت به بقیه کشورها چطور است؟

در کشورهای توسعه‌یافته، مفهومی به اسم فرار مغزها (brain drain) وجود ندارد و چرخش مغزها (brain circulation) مطرح است؛ یعنی بین این کشورها جابه‌جایی و تبادل نخبگان اتفاق می‌افتد. نخبه‌ها برای مثال اگر از کانادا به آمریکا می‌روند، به قصد کسب تجربه و افزایش سطح علمی است نه برای فرار از اوضاع نامطلوب. در ایران اما با فرار به معنی واقعی و نوعی گریز اجتماعی مواجهیم. ضمن این‌که از لحاظ مالی هم حمایتی از نخبگان صورت نمی‌گیرد. جوان تحصیل کرده با حقوق دو میلیون تومان در ماه وقتی وضعیت خودش را با دوستش در اروپا مقایسه می‌کند، کاملاً این فاصله را حس می‌کند. در ایران به دلایل مختلف، حس تعلق اجتماعی کاهش یافته‌است.

### کشورهای دیگر، مسئله فرار مغزها را چطور مدیریت کردند؟

کشورهای توسعه‌یافته که اساساً با این مسئله مواجه نیستند یا بخواهند به مدیریتش فکر کنند. یک پزشک فرانسوی چرا باید از کشورش خارج بشود؟ از چه چیزی می‌خواهد فرار کند؟ و اصلاً کجا برود بهتر از کشور خودش؟ فرار مغزها مربوط به کشورهای در حال توسعه است؛ مثل افغانستان که نه تنها نخبگانش بلکه نیروی کارش هم از کشور خارج می‌شوند. نخبه‌ای که از کره جنوبی به انگلستان می‌رود، فرار نمی‌کند بلکه می‌خواهد شرایط دیگری را هم تجربه کند اما خروج از کره شمالی، فرار محسوب می‌شود. با این همه به‌نظر من، پدیده فرار مغزها مسئله غیر قابل حلی نیست.

گفت‌وگو با کارگردان سه‌گانه مستند «میراث آلبرتا» که تصویر تازه‌ای از فرار مغزها ارائه داد

## فرصت‌های اقتصادی در ایران برای نخبگان اشباع نشده است

پدیده فرار مغزها با همه اهمیتش، آن‌طور که باید اهمیت و توجه در یافت نمی‌کند؛ گاهی نه در سطوح کلان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی چیز زیادی درباره‌اش می‌شنویم نه در دغدغه‌های فرهنگی اهالی هنر جایگاهی دارد. «حسین شمقدری»، در این شرایط قطعی کار در حوزه مهاجرت نخبگان، با ساخت سه‌گانه «مستند میراث آلبرتا»، اتفاق ارزشمندی را رقم زد. آلبرتا یکی با نگاهی منفی نسبت به مهاجرت ساخته‌شد؛ آلبرتا ی دوور بیشترین را به دانشگاه‌های خارج از ایران برد و با روایت شرایط آن‌ها، رویکرد متعادل‌تری نسبت به رفتن انتخاب کرد؛ آلبرتا سه هم تلاش کرد واقعیت‌هایی از زندگی شغلی و خانوادگی مهاجران نخبه به نمایش بگذارد. آن‌چه می‌خوانید گفت‌وگوی ما با حسین شمقدری است درباره میراث آلبرتا و درباره مهاجرت.

### ایده و ضرورت ساخت میراث آلبرتا از کجا شکل گرفت؟

یکی از دغدغه‌های جدی دانشجویان دانشگاه شریف، مهاجرت است. بچه‌ها از همان سال اول به اپلای فکر می‌کنند، به این که کدام کشور بروند، چه دانشگاهی انتخاب کنند و چطور بروند؛ تا سال چهارم و پنجم که مهاجرت برای خیلی‌ها قطعی می‌شود و اکثر



کسانی که بتوانند، می‌روند. من هم دانشجوی شریف بودم؛ این موضوع برایم مهم شد. ضمن این که با بچه‌ها، مجموعه‌ای هم راه انداخته بودیم که در آن فیلم مستند ساخته می‌شد. این شد که رفتم سراغ ساختن «میراث آلبرتا» که قسمت اولش هم بیشتر در خود شریف می‌گردد.

### شما سه قسمت آلبرتا را در سه بازه زمانی مختلف ساختید. نظر تان نسبت به پدیده مهاجرت در طول ساخت این مجموعه هیچ تغییری کرد؟

قسمت اول را با ذهنیت منفی نسبت به مهاجرت ساختیم. در قسمت دوم و سوم اما تصور اتمان تغییر کرد؛ چون به اروپا سفر کردیم، فضای آن جا را دیدیم و با بچه‌هایی که آن جا زندگی می‌کردند صحبت کردیم. اوایل نظرم این بود که بهتر است نخبه‌ها مهاجرت نکنند؛ بعدها فکر کردم یکی از ضروریات پیشرفت اتفاقاً ارتباط با مرزهای علم است. شما به عنوان دانشجو به‌هر حال مقالات روز دنیا را می‌خوانی و به کلاس درس خیلی از استادان، آنلاین دسترسی داری. من اما از ارتباط حضوری حرف می‌زنم، یعنی در ارتباط بودن با تکنولوژی و اتمسفر اقتصادی و ارتباطات غرب، الهام گرفتن از و پیشرفت کردن. ارتباطی که به انتقال تکنولوژی و بهره

### وقتی درباره انتقال تکنولوژی صحبت می‌کنید یعنی نگاهتان، نگاه بروگشت به کشور است؟

اتفاقاً نه. خیلی از برگشت‌ها به سرخوردگی منجر می‌شود؛ چون چیزهایی که فرد یاد گرفته‌است، در داخل کشور قابل استفاده نیست. مدل مطلوب من، مدل در ارتباط بودن است؛ یعنی اگر خارج از کشور هستی، با ایران در ارتباط باشی و برعکس. به‌نظر من در ایران برای نخبه‌ها، امکان پیشرفت بیشتری وجود دارد چون هنوز از لحاظ فرصت‌های اقتصادی اشباع نشده‌است. بسیاری از صنایع فعال در داخل کشور، مثل آی‌تی، سال‌ها پیش در دنیای غرب پا گرفته و پیشرفت کرده‌است اما در ایران بچه‌ها می‌توانند از این فرصت‌های خالی با اصطلاحاً (job opportunity) استفاده کنند. استارت‌آپ راه بیندازند و صاحب سرمایه شوند.

### لازمه پیشرفت در داخل کشور، جنگیدن‌های فراوان است؛ یعنی به اندازه فرصت پیشرفت و حتی بیشتر از آن، مانع وجود دارد.

بله، پیشرفت در ایران به مبارزه‌ای سخت‌تر نیاز دارد، چون خیلی از فرصت‌ها را مراکز دولتی مال خودشان می‌کنند. اما روحیه آدم هم خیلی تأثیرگذار است؛ برای کسی که روحیه مبارزه کردن ندارد، شاید رفتن و انتخاب یک زندگی کارآمدی آرام‌ولی درعین حال زبردست‌تر باشد. اما بین همین دانش آموختگان شریف که مهاجرت نکردند، خیلی‌ها را می‌شناسم که استارت‌آپ دارند، شرکت تأسیس کردند و موفق هستند.

### میراث آلبرتا چه بازخوردها و واکنش‌هایی به همراه داشت؟

مهم‌ترین اتفاق که البته نمی‌خواهم بگویم فقط به دلیل مستند ما بوده ولی آلبرتا به‌هر حال در آن تأثیر داشته‌است، تغییر سیاست‌های بنیاد نخبگان و معاونت علمی ریاست جمهوری بود. زمانی که آلبرتا ی یک ساخته‌شد، سیاست‌ها بیشتر از نوع حمایت مالی بود و الان معطوف به استارت‌آپ و فرهنگ کارآفرینی است. حمایت مالی مستقیم، روشی غلط و حتی توهین به نخبه بود. به نظر من تنها راه نگهداری نخبه‌ها در کشور، دادن شغل، شخصیت و جایگاه مدیریتی به آن‌هاست.

